



تفسیر انسان به انسان به منظور ساماندهی او در جهت سعادت

تفسیر انسان به انسان، برای تغییر ساختار او در جهت سعادت است. این نکته فاخر، جامع بین خرد و هنر است، زیرا تفسیر محض از کتاب نفس جز ثمر علمی بهره‌ای دیگر ندارد...

تفسیر انسان به انسان، برای تغییر ساختار او در جهت سعادت است. این نکته فاخر، جامع بین خرد و هنر است، زیرا تفسیر محض از کتاب نفس جز ثمر علمی بهره‌ای دیگر ندارد، چنان که تغییر بدون سبق تفسیر دقیق هنرمندانه نخواهد بود، زیرا اِثْمُ جاهلٍ بیش از نفع اوست و هرگونه تحویل و دگرگون ساختن هویت بشر بدون آشنایی کامل از هندسه وجودی وی ممکن است از قبیل بالای شاخ رفتن و بن آن را بریدن باشد.

هرچند عنصر محوری این نوشتار را تفسیر تشکیل می‌دهد، جهت یابی آن برای تغییر قبله تزکیه به سمت معبودی است که در عین اینما تولوا فتمّ وجه الله (1)، جهت ویژه‌ای را معین کرد که از آن به کعبه یاد می‌شود: (2) و الکعبة قبلتی (2)؛ و برای تفسیر انسان به انسان؛ کتاب دیگری لازم است.

بر این اساس، تفسیر انسان بر تأمین سعادت او مقدم است. برخی پیش از تفسیر محققانه از انسان، به فکر تغییر آن به منظور تأمین رفاه افتاده‌اند، چنان که پیش از تفسیر صحیح از جهان، در اندیشه تغییر آن به منظور اصلاحش بوده‌اند.

راز تقدیم تفسیر بر تغییر، آن است که با تفسیر انسان یا جهان، معلوم می‌شود که آیا تغییر پذیر است یا نه و در صورت تغییر پذیری، راه آن چیست و به کدام قسمت می‌توان آن را تغییر داد و نیز تغییر آن به کدام جهت صواب است و چگونه درست خواهد بود. این امور و مانند آن، پیش از تفسیر صائب از انسان، ناصواب است، چنان که درباره جهان نیز همین‌گونه بوده است.

تضارب آرا درباره تفسیر انسان، بیش از امور دیگر است، زیرا اثر مثبت یا منفی هرگونه تحوّل که در علم، صنعت، معرفت‌شناسی، زیست‌شناسی، روان‌شناسی، اقتصاد و مانند آن پدید می‌آید، سریعاً به تفسیر انسان منتقل می‌شود، زیرا یا موضوع اصلی آنها انسان است؛ مانند علوم انسانی؛ یا کاربرد آنها درباره انسان است؛ نظیر علوم تجربی.

البته تأثیر تحوّل علوم متنوع در کیفیت تفسیر انسان، یکسان نیست. آنچه از افلاطون، ارسطو، توماس آکوئیناس، هابز، جان لاک، هیوم، ایمانوئل کانت، داروین، نیچه، زیگموند فروید، لودویک ویتگنشتاین و مانند آنان از متقدّمان و متأخران نقل شده است، نشان از تحوّل عمیق و متفاوت تفسیر انسان از یک سو، و تأثر آن از فراز و فرود علوم، صنایع و معارف بشری از سوی دیگر است و همان‌گونه که در متن کتاب بارها بیان خواهد شد، هدایت پروردگاری که انسان آفرین و جهان آفرین و پیوندساز عالم و آدم است، متقن‌ترین رهنمود تفسیر انسان است: *وَلَا يُتَبِّئُكَ مِثْلُ خَبِيرٍ* (3) مفاد کتابهای دینی، اگر سره و بدون تحریف ارائه شود، هرگز با علم صائب، نه فرضیه خام که زود هنگام به بازار معرفت عرضه می‌شود و مانند بسیاری از فرضیه‌های بی‌نتیجه دیگر، غروب آن فوراً طلوع آن را بدرقه می‌کند، چالش نخواهد داشت.

1. سوره بقره، آیه 115.

2. تهذیب الاحکام، ج 3، ص 286.

3. سوره فاطر، آیه 14.

تفسیر انسان به انسان، ص 49-50.